





سنی فاضل زمره  
 کربل لفظ الانبیاء  
 التماسات بایس  
 بیان فاضل زمره  
 کربل لفظ بایس  
 زمره فاضل زمره  
 بانی فاضل زمره  
 حال تن الامام

سنی فاضل زمره  
 کربل لفظ الانبیاء  
 التماسات بایس  
 بیان فاضل زمره  
 کربل لفظ بایس  
 زمره فاضل زمره  
 بانی فاضل زمره  
 حال تن الامام

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا  
 مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَصَلَّى اللَّهُ  
 عَلَى الْكَاتِبِ وَبَيَّنَّا لَهُ الْكَلِمَاتِ وَتَسْلِيْمًا لَهُ الْكَلِمَاتِ  
 عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَحِبَابِهِ دَعَا  
 قَوْمًا لِلْإِيمَانِ وَسَعَايَهُ وَوَلَاةٍ جَيْشٍ لِإِسْلَامِهِ  
 كَمَا تَرَى رِعَاةَ حَيْمَى الدِّينِ وَحُمَاتِهِ

تسمیة خپانکه می باشد  
 گروه جابجابه

تسمیة خپانکه می باشد  
 نیست مگر کس او است

عَدِ حَسَانِ چو صد پهلوان است  
آنکه این عقل جهان بشنید  
ز آنکه هست آن کرم زانو  
فیض نخب همه بغیر و سلا  
آفتابش مدام در اشراق  
خود را ز غم و غم پیدایی  
فریاد پاکش سنه اندازد  
شرم آن که از ملامت  
دکف قدرتش درون برون  
کریمش بر حق  
مذنیان اشفع در عوصا  
بعثت او باعث ایمان همه  
لوح سطرخی علم محفوظش  
همه اسوی اوست رو می  
آستین چون سجده است  
قول او وحی و فعل او قرآن

شکرت غیر تحت امکان است  
بقین بخشید در ایگان بشنید  
بی نیاز نیاز ازل نیاز  
از حکما و جهل و ستمدار  
برتر از قید و خلق و سلا  
مانده نهان این بینائی  
و حده لاله الا هو  
کریم اس علم لغت آن  
همه چونها از دوا و بی چون  
کامیار هست رو و مطلق  
عاصیانرا وسیله نبر سجا  
لغت او زبده بیان همه  
یکتصم هر دو کون ملحوظش  
در پناهش سیاه و سرخ و سفید  
زیر دهن کشید هست را  
خلق او نور خلق او قرآن

در دلو بر دل شکسته دوا  
 خااصل می تو هم داشتی سرک  
 شیر گردون اسپین بر او  
 موش و کرسی گوی چو گاشتر  
 چشم بدو دولت جاوید  
 طلی شوم روای نگار  
 آفتابش نام نمیدویشتر  
 شاه دشمن گداز دست نواز  
 گوهر و ذرات خود چوین  
 شاه یوم جز اعطوفت حمیم  
 روی او بلبه سعادت با  
 بخت پاکیش کرد و یار را  
 صلوات و سلام حق در اتم  
 برو و اهل بیت یا نشین

بینه از نوای او بنوا  
 تاج و تخت عمرک دلولاک  
 در دمه ملک کند چو در  
 لامکان موضع سخن میدار  
 اولین رخ و آخرین خورشید  
 آفتابش همان بسیر  
 آسمان از لال حلقه بوتر  
 جز الویش متاسم با  
 من سینه فخر رای الحق  
 غوث عالم بهار دشت حمیم  
 کوی او کعبه سعادت با  
 حرز جان نام او تبس را  
 قلم و لوح تا بود تمام  
 نیکو نام و دوستدار

۴

در عقبیت صحابه کرام

تمامه آن جای بر سر و حضور  
 است غایت زو می شان

<p> چهار حصن حصین پاک فیم  شهواریان عرصه سکین  سرمه کرد دیده مهر  هر یکی چهره مهر حکمت  بود بر جای خویش بستان  چهار سو جهان آن آباد  سرمه یربای ایشان بود  بعین سیر از همه بهتر </p>	<p> چهار کن کین دین تویم  باو نشان چار پالش دین  خاک تعلیم نشان رفعت  در تو لا اگر نشکیست  هر یکی آن شمس حمان  در هر یک سیرل جهان داد  سرمه یربای ایشان بود  پیشوایان آه غنیمت </p>
--	---

منهید و ذکر متابعت رسم و کتابت قرآن  
و باعث نظم این در زیر رسم می طرح الغرلا

<p> ایشوای کاتب کلام بعد  فرض آید نهادن گردین  حفظ آن لازمست و کلام  این شکر الله تعالی  سرمه نیکو در جهان علم  گفت حمد سرخو من غلام </p>	<p> باش از فرضهای حق گاه  رسم و متابعت کردن  هست بعد آن چو خیر کتاب  بجاهل عین تاجیک عبدا  بر خطش سر نهاده چون  شد خلاف حظ امام حرام </p>
---	---

بیت جایز باطل است  
امام علی بن ابی طالب  
نوشته

ره نمایان راه دین هر چادر  
 زانکه حجاب و تابعین کبار  
 خاصه آن چار تا خلیفه حق  
 بعد همدو نفر کربسار  
 هر که جامع کردند انکار  
 لاجرم سوره سیه فتر  
 از سایل گرفت لب لباب  
 صاف شیرین چو شهد از لاله  
 جامع و مختصر چو در ثمن  
 بوستانی پر از گل و ریحان  
 چشم اهل کمال از دهر پر نور  
 بگذرد چون بختیم در و نشان  
 یار باین نسخه را رواج ده  
 فیض آن بر دوام جاری دارد  
 متعین است و عقیده معتدل  
 معنی آن صریح و لفظ

کرده اجماع بر همین گفتار  
 همه در جهاد دین مجتار  
 اگر از این گرفت حق فتر  
 بر همین سوره اندویش  
 موجب کفر افتاده این کار  
 جاهل صرف بر سر  
 نسخه از پی اولی و ثانی  
 از فردل بر دو کمالی و ملام  
 نافع و معتبر چو بار سیمین  
 شده گشته بمرغ فقر  
 باو عین کمال از دهر پر نور  
 دارد اسب فاتحه زایشان  
 بر سرش قبول تاج نهی  
 که رود هر طرف چو ابر بهار  
 زنده است جمیع نیر خیاں  
 تمام هست گریه تیغ

میش ابل سخن بود بسند	سخن عام فهم خاص پسند
قد این نسخه آفرمان داند	که ازین در کتابها خواند
نظر صفیان بر کس	عیب جو عیب آورد بر سر
ای خوش اندوختی که چون بدید	بجست ز راه رسید
خوردن آتش نخته شایان است	لیکن بپاؤ که نجات
سال پنج سوم این اطلال	تبت میکرد پیر و پیر اطلال
تا که بهان ده کامل سپید	کس کشید از اطلال چون چوید
تیر بر لوح ماه سیم شست	نظم حیدر باب ز رشوت
هر که در وی نظر کند دنیا	سینه او بنور حق سینا <sup>۱۲</sup> است
تا ابد نور آن هوید اباد	و آن سواد شش دل هویدا <sup>۱۳</sup>

## باب اول در حذف منقسم است بسته قسم اول مشتعل بر وصول و فروع فرع اول در کلیه

باب اول نظم ز حذف آغاز	اصل و فرعش به نامیم با
سیکیم از لفظ شروع در آن	رست گو حکیم به حقیقت آن
مرد ما که صاحب خطب است	از سواد علوم دیده و نه
زیر آن بنگرند ز آله	چون در سینه روشن ماه



چشم انداز لفظ بر معنی	مکرر و حروف در معنی
-----------------------	---------------------

صوفیان چنین فاسریند	در مکرر یا خلق حق نگرند
---------------------	-------------------------

## فصل اول در جمیع الیاتی تصرفات دیگر

دو لفظ یسه لایه یس	حذف کردن از سه لایه یس
مثل یشوع آدم	چون اعامشتم و اعیانهم
مطابقا حذف کن یا نی	هم زمانی بنده هم
همچو یایه و هاست	نیست زین یا یایه و هاست
ز اول امر و از سوال	و سئل و فسئل و سئل
و میان و لام در همه حال	چون جلال و حلال مثل غلال
از بی لام جاریه و تاکید	الف ال از ان بنحیف
لله و للرسول و للجماعه	للهی للضری شالو

## فصل دوم در علام از حذف الف اسما و

و علم گردانی ست افزون	هم ز حذف که بماند مضمون
عربی نیست حذف هر حال	عجمی بشرط استعمال
چون سلیمان و سحرا و سحرا	نابت مدولی استیصال
هم زها من تحت سحر است	بار چهار و نوبت و نوبت



و اما آنچه در آغاز  
 در کتب معتبره آمده است  
 که الف در کتب معتبره  
 در کتب معتبره آمده است  
 و اما آنچه در آغاز  
 در کتب معتبره آمده است  
 که الف در کتب معتبره  
 در کتب معتبره آمده است

و عمل یافته سجدت قرأ	از آنکه بسیار لفظی تکرار
احدون گفت فیتین نظیر	تغیض بن غنمین بتو بکبر
چون بود و لفظ چا	لیک مرهمه داور عدم
ساعتین بتو تائیدین	همچو حاقین همچو ضاوتین
بی الف حرفی مطربان است	و مسلمیمان که ای مانی است
لیک هر دوین شیده سجاد	جمع فعال هم از دست خیز
لفظ مطلقا حبابا	اسم فاعل یوحیی سر آمد

**فصل پنجم در حذف الف با جمع موتی بالم**

شده حذف الف باللام	هم جمع موتی سالم
هر دو احدی سازد	لفظ اگر هم شود پیدا
صفت است و صلح است	همچو عورت و صفت است
که بشوری است هر دو آنها	غیر دقتا و لفظ الجماع
دو هم یونس و سیوم هم	بیرایا کتا و جاست علم
که جسم سجده اثبات است	الف و هم سموات است
پیشانی ثابت است از اول	بسمه تاج و هم کربال
لا اله الا الله حکم مضر ماند	از آنکه خبر حفص کربن

و اما آنچه در آغاز  
 در کتب معتبره آمده است  
 که الف در کتب معتبره  
 در کتب معتبره آمده است  
 و اما آنچه در آغاز  
 در کتب معتبره آمده است  
 که الف در کتب معتبره  
 در کتب معتبره آمده است

و اما آنچه در آغاز  
 در کتب معتبره آمده است  
 که الف در کتب معتبره  
 در کتب معتبره آمده است  
 و اما آنچه در آغاز  
 در کتب معتبره آمده است  
 که الف در کتب معتبره  
 در کتب معتبره آمده است

و اما آنچه در آغاز  
 در کتب معتبره آمده است  
 که الف در کتب معتبره  
 در کتب معتبره آمده است  
 و اما آنچه در آغاز  
 در کتب معتبره آمده است  
 که الف در کتب معتبره  
 در کتب معتبره آمده است



بخلق من

العتقان

الوجوه

السم

در

السم

لن

باین

۱۲

۲۴

بخلق من

العتقان

الوجوه

السم

وَبَيِّنْ أَرْمِ أَنْيَكُ نِي كَاه  
 الف اسم از نوشته و شفقت  
 هُمُ اللَّهُ عَلِيمٌ وَرَحِيمٌ  
 از تعالی و از بلوغ و علم  
 هُمُ ذَلِكَ أَوْلَىٰ لَكَ لَكِنَّ  
 هُمُ فَرَعُ تَمَنُّ كُنْ كَوْنُ  
 و فِيمَا مَسْجِدُ وَاصْبِ  
 اَمْسَلِكُنْ مَكْرُ نَصْرِي  
 بِسْ أُولَىٰ مِيرْ ثَقْدُ هُمُ  
 فَرَعًا بَأْشَرَةً فَرَحْن  
 لَا تَصْنَعْنِي تَوْ عَلِيمٌ  
 بَعْدُ وَسَمَّا تَزَاوَرُونَ  
 يَا كَفْتَيْنِيهِ أَكْبَرِينَ  
 بِخِلْفِكَ تَدَارَكَ نَزِيرُ  
 مَطْلَقًا وَإِنْ مَلَكَكَ حَرًا  
 بِأَسْبَلَسَلْ خَبَلْتُ وَسُلْطَرُ

ابتدای کنم به بسم الله  
 و رفوای نبل و اندر هود  
 هُمُ خَلْقُ اللَّهِ جَبَان  
 هُمُ أَيْلَقُ الرُّحْمِ وَسَلَام  
 مگو بشده بهش با ساکن  
 هُمُ الْكَلْبَةُ وَاللَّهُ جَبَر  
 بَارِئُهُمْ بِسْ خَلْقُ  
 بِأَسْلَكَيْنِ بَيْنِ يَتِي  
 بَلِّغِ الْكَلْبَةَ سَلَامُ  
 بِأَسْقَطْ مَضْعَفَهُ سِيد  
 بِأَخْمَهُ غَيْبَتِ از مَرْد  
 بِأَبَلْ أَدْرَكَ جَزْدُ أَحْمَر  
 حَقِطًا لِسْنَيْنِ أَكْلُونِ  
 الْحَالِيسِ تَظْهَرُ بَسْكَر  
 الْمَغْرِبِ خِلَاكَ وَغَدَا  
 نَزِيرُ لَكْتُ بِأَسْطَلِينِ





کذب اول مرصاست	بطل ما بود و اعرفت
هل تجزئ در ابتدا می	هم تو با بر عدو مثل و بنا
هم عظم اول فلاح و دوا	آخر عید لفظ الکف
لقد كنت بکف پیوسته	شد عیدانی بفرج و پیوسته
هم حرم است و قل آخر	انبیا را بسین عود سین
فتح را عهد علیه الله	شد لقمان و ضله برین اه
که باندیشه مشهور معلوم	نیز انش حمت است بهم
پسین است آخر تحاف	هم بقدر دو جا غیر خلافت
هم عیدت قل با او کو	پسین خرف برای شد بر
هم زخرف آیه السلسله	آیه المؤمنون بنو نصر
و سال اکسیرق آخر	هم بر صبر آیه الثقلان
الف آن سباز ناپیدا	گیر از نجم عاذا الحق لا
از میان شکر کل نمره انداز	لام با دو وصل حین
فصل در کلماتی که حذف آن مختلف است	
طیف اول آخر اعرف	باز این لفظها بدان بجملا
کن سبجان کلامها تحریه	زال عمران تقیه بگیر

عید  
 و سب  
 در تحاف  
 یعقوب بفرج  
 الف برین  
 فیض بصیرت  
 سباز  
 ۱۵  
 ببالا الف میخوانند  
 بصیرت  
 فاضل





۴۲  
 این کتاب را در این شهر  
 در روز ...  
 در ماه ...  
 در سال ...  
 در وقت ...  
 در مکان ...  
 در حضور ...  
 در وقت ...  
 در مکان ...  
 در حضور ...

هم غشوا ز جاشینه یاد	نیز فقط عبادنا و حسا و
هم فضائله بسوره جفا	یتا چون نیز گوید صفا
که ملق سجف شد مرقم	شد بعضی کتابها هم
سالمقا آمدست بی تفصیل	هم بقدری بصفه تفریل
مختلف شد بشرط استقام	فرا بیم ز کتب کتب تمام

و رعیت دار

یکی از سه وصفه او ان وضو	آنچه اینجا نگفتت مخدو
یا بود اندر و لصب برجا	یا موافق بود بقرات
چون بشیان سرشته شد	یا بود استوار و نزل

و سپاهان هر دو وقت که شایان شایعیت

بر اعلی اتفاق در طه	هست بر اینها و ظلمتارا
حق کج از طراح هم پیدا	حرف طه ام در یکدیگر جدا
هم آقاما در آخر فغان	لفظ طه از کاتبان احسان
نزد جمله اتفاق بجا است	صافش با این لفظ که بعد از
نیت و لفظ و در قلم طاهر	و انکه نیست است و آخر
هم فعال و فعال هم فعال	وزن فعال تا قبل از

۴۳  
 این کتاب را در این شهر  
 در روز ...  
 در ماه ...  
 در سال ...  
 در وقت ...  
 در مکان ...  
 در حضور ...  
 در وقت ...  
 در مکان ...  
 در حضور ...

۴۴  
 این کتاب را در این شهر  
 در روز ...  
 در ماه ...  
 در سال ...  
 در وقت ...  
 در مکان ...  
 در حضور ...  
 در وقت ...  
 در مکان ...  
 در حضور ...

هم فعال و مفعول و افعال	نیرو فعلان و مفعول و افعال
با فاعلی فواعل و فاعل	هم مفعیل و مفعول و مفعول
و آنچه در وی ایست بر آید	و آنچه کم از رباعی است بجا
الف سقلم و او و زی	حکمی فعلها و مصدر و فاعل
جز خرو و نیک گشته شستی	هم گشته است و خبر
ساحل و شطوط و شفا و طواف	چون بجا و مشارب و طواف
سار و سار سار و سار کسرا	کان در جهان بکان فراغ
باری و بالغ و بیان و بیان	طاب و حیان و حیات و بنیان
با تقاضا و تغایر و انکال	با تماشای خزان و اموال
هم حسا و عدا و هم نامور	بسر شربت یار و دو کا
کا هج و حاسه و خضاب و کما	خاک و کفار و شارب و کما
با مقام مع کوافر و او ثاب	بالواقع فواکه و آلوان
با حقا و امانت و وثایق	لا یومر و لا رب و نجات و طلاق
با اساو و فواعل و ابکا	با رجال استیثان و دار و کما
فار و انسان و نوا و اقدار	مان و حساب و اید و اعلام
قابل و قاتل و یطایر و کما	صاق و کما و یخاف و کما

الجوارح خال الجحيم فلت	بازمفات خالو و آفت
هم موازين هم قناطر	باز اسفار و سلاطین
بامثال منافع و مبر	سار عواستجالات
جاهد و احاق خال و مبر	لا تبت حین قادی غصنا
خواب بوقیام و اسرار	باماهی صیام و اخبار
بائرضوا شفاعة و علا	بافلان و حنا و ظلام
باینادون التناد و عباد	بایماردن الرشاد و نساد
هم رعاکد جوار و پیش	بامارق مواخر و یحنا
رفق و منام و نفاق و	بانا سی و عاصم و زنا
سابقوا قالوا عماد و کما	باب و الباب و ابغوه حیا
دامت الزواج و قاصد	باز قطار صابر و من
طال و اکواب و قالم دافع	حال مرتاب و خایه واقع
ذائق و ذاق بالجمام	ضایق ضاق بامقام و
باز اصیلم و قایم و اکما	نیز اصلا حرام و اسرار
استقام و امهاجر و	لا تخافوا مواعیر و انصار
باز صغار و غار و ورو	باشعاع حساسات و فساد



کتاب منتهی الحقیق  
از آقا میرزا محمد باقر  
اصناف و فاضل

کتاب منتهی الحقیق  
از آقا میرزا محمد باقر  
اصناف و فاضل

کتاب منتهی الحقیق  
از آقا میرزا محمد باقر  
اصناف و فاضل

فی کتاب البیروت اشعرا	الف و هـ بحذف الیا
فصل	
همه با ناقص سنون را	حالت رفع و جر بنه بی یا
بهر پنج تعالی سیر	یک ثابت نه سیر سنون
نیز اگر بعد مقرر را آید	فصل چون مضی طوی بی یا
آن نهادی که شد ضاف	سلفا کن بحذف یا املا سما قال ابن امیر که باشد چه در سیر شد با جماع ثابت و بر یا
فصل در یارات و واید	
کلیه کسر کرده در حیر یعنی لا کفره یا یافون تقولون ان یکذبوا مشکلا لقولهم عیدما باز سستین با بالوا نیز سستین با نکیا	شده نیمه بحذف یا در حیر اتقون اربعین لا کفره هم طبعین و کذبوا ارسالون ان تفقدوا بایستندین رجوع نیز لا یضون کیف

اصناف و فاضل  
بها نفع فایز  
سند استقامت  
ساقی عم و یاری  
فانقون یغیاد  
از این لفظ  
نه سوره الزملا  
حرفین که در میان  
نه الصلوات یغیاد  
الذین یغیاد  
و انما یغیاد  
الذین یغیاد  
بها نفع فایز  
سند استقامت  
ساقی عم و یاری  
فانقون یغیاد  
از این لفظ  
نه سوره الزملا  
حرفین که در میان  
نه الصلوات یغیاد  
الذین یغیاد  
و انما یغیاد  
الذین یغیاد

کتاب منتهی الحقیق  
از آقا میرزا محمد باقر  
اصناف و فاضل

<p>و تقبل دعائهم يسقون</p>	<p>و تقبل دعائهم يسقون</p>
<p>باز بدهند بجزای آن حق</p>	<p>باز آن بطهری فاعز کون</p>
<p>آن تری آن بعلین</p>	<p>ان یرون لیعدون</p>
<p>السلامة التناذره</p>	<p>بالتدبر صال المتعال</p>
<p>یا ولی دین الحار</p>	<p>باز که تفضیله دان</p>
<p>عظم و آل عمران هم</p>	<p>سار اتعون بدان</p>
<p>جز بایست بصدقی</p>	<p>باز از ششون بخر بصر جا</p>
<p>غیر پس بصدق و نجان</p>	<p>باز بکندون بغیر بود</p>
<p>و شروع یا مشتمل بر فصول مضل</p>	
<p>لفظ الذراع مخیان هر جا</p>	<p>است الفصحی بغیر از یا</p>
<p>هم سبجان بکبر استن تن</p>	<p>ز آل عمران بکرم استن</p>
<p>هم تمام قد هدایتین</p>	<p>و سائر سوره یونس</p>
<p>باز از شش کون و بر اسم</p>	<p>عنی در یونس است تعلیم</p>
<p>هم طه الدین سحیح موجو</p>	<p>باز تسکین یوم یات</p>
<p>یهدین یوتین و آن</p>	<p>منبع و کرم مخیان</p>
<p>مؤمنون انکون زمین</p>	<p>هم بطه است لفظ تنجین</p>

۴۰۰

1941

الحمد لله

ف. ب. ب. ب.

الحمد لله

مجلس

10

10

۲۲۱

۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

مقامات و افراد

والله اعلم

المؤمنين

يقولون

194

پس گیرید تکیه کان بنیاد  
 یحییٰ بن کنان بن یحییٰ  
 نعل ابرو پدید است اما  
 آمدن و رفت و ادله  
 باز که شهادت و رس  
 تشهد و نعل و ان و نجو  
 هم صبا و آمده فقط عدا  
 هم قیاسی عباد تا بر  
 تیسری اگر من اهان هم  
 اهد که هم به یونان حای

فصل در حذف یا بی سرهم

از بقر کن نظر باین هیوه	کز حجازی بایست قبل ازیم
وز امام عراقی و شای	در بقر خدائشده بای
لیک غیر بقر بجز بای	بست با اتفاق بای

فصل سوم در حذف و اوهض و فصل در اصول

داود بن محمد شافعی	جز کے صنف کن مہر
--------------------	------------------



والمعنى طلاق  
الشيء من الماء والحرارة  
الحق في قوله تعالى  
الذي هو الله تعالى  
والله تعالى  
والله تعالى

از دو نوش یک بکن تحریر	حرف پنجم از این سیاه گیر
ربنا چشم کتابنا باخیز	تیز تر شد آواز خامه سپید

باب دوم شکر زیادت حادی بر سه نوع

خامه من اگر چه خامه است	خامه من اگر چه خامه است
در کف او گل سپید بر آب است	در کف او گل سپید بر آب است
جذب اطمینان شکر گفتار	جذب اطمینان شکر گفتار
دلبری در پرند عیاشی	دلبری در پرند عیاشی
سرخند در بجزر است و آ	سرخند در بجزر است و آ
مشک ده در استین	مشک ده در استین
بند و چین از نسیم آید	بند و چین از نسیم آید
چون شد دست ز این هنر	چون شد دست ز این هنر
سکند از سواد مشک آید	سکند از سواد مشک آید
چون پوشد کلاه زنگاری	چون پوشد کلاه زنگاری
قد او سر و بوستان چال	قد او سر و بوستان چال
نخل بر پیوه در خزان بهار	نخل بر پیوه در خزان بهار
سر همد خطه خطه در جان	سر همد خطه خطه در جان
حذف آورد و سر سپید	حذف آورد و سر سپید





۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

افاقین میت بهیار اوان	افاقین کات نیز در عمران
هم با سبیل بداریات	اول نون یا لیسکو بنگر
اولین است و پیشین	در و دوم انداده آن پیش
جزری گفت در چهار خمر	الف مد زیاده در تحریر

نوع سوم در زیادت او	
واو از اید بعد همره نما	وسالو اولی اولات وکلا
سبا و هر یک اگر چند بجلا	لیک است اندازان هم
مختلف اصل بکلمه است	که ربط و طله غیر شمر است
لیکن اینجا نیست در حرف	کان بود غیر و از غیر خلان

باب سوم مشتمل بر رسم همره مشتمل بر زیاده فصل	
چون فلم در نوشتن آمد را	هر باب سوم یا پز خاست
رسم همره در آن نوشت بزر	برسانید کار خویش بر
مهره مهر گرم رانده سپر	کاغذش کشید مهر مهر

فصل اول در رسم همره ساکن	
که در زبان کن شد اطا هر	سلفا چه و طچه در آخر
پس بقیش از بر باشد	الف سه یا از خبر باشد

الفران یا سبیل  
بعد الف و کلام  
رسم سبیل  
جمیع الحروف  
المقتدره الف و کلام  
فصل  
رواه عن ابن  
المدینه بنحو  
ان يكون الالف  
في الزيادة و  
الالف في المقطع  
والسبيل  
۲۹  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۰  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۱  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۲  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع

الحرف  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۳  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۴  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۵  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع

الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۶  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۷  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۸  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۳۹  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع  
۴۰  
اعلم ان  
الالف في الزيادة  
والسبيل في المقطع

[illegible]

1000

10

10

<p>در بود که کن یا مرسوم          همچو حُسناتِ حق با او          لیک محنت و گشت از دنیا          شود چنین مطلقا بدین دنیا          اگر چه گوشت اندران بجای          بهره اش با قطستر از هر</p>	<p>و او نویسد که بود مضموم          همچو آتدین چو او من با نسا          نیز نمی یستی است یا          همچنین سر کافیه          نیز از متکلت اندر نسا          لفظ یا تا تک بنور هم نگری</p>
<p><b>فصل دوم در حذف هززه که بعد از و فاء</b></p>	
<p>چون که یا و او فاء و ر میوه          همچو واء توئی و ج و آتوئی</p>	<p>ز اول امر نیز حذف کنند          همچو واء موفات چون فالتو</p>
<p><b>فصل سوم در رسم هززه که در است او افتح یا</b></p>	
<p>چون الی و التو آکن بافت          چون سائیک بان فاق کن          خبر لکله سوا حینت          وصل کرده نوشته اند          که او است هززه اش که</p>	<p>هززه و است یا کن بافت          که چه دخل با و است حرف که          خبر لکله سوا حینت          که در هر جای حرف رسوا          بنویسم است هکله که</p>
<p><b>فصل چهارم در آواج هززه</b></p>	









قال الامام

عليه السلام

في النيران

الذين

قالوا

في النيران

الذين

قالوا

في النيران

يكنون في جنة عدن	يكنون في جنة عدن
شاهداً وبعث في قرون	غير من حرمانه همز ورن
يتقنوا حنان در سداؤا	التي كنتم تقتوا يبدوا
جود بود اهل رفه لفظ نبوا	نيزه كذا تظنوا ما يعنوا
پس الف اكبر با پيو	ليكن بر توبه غير و او كنند
در فلاح انكه اولين آمد	چارچا المكنوا احسين آمد
آمده اتفاق در هر يك	هر سه جانل ابدان ميشك
انچنان ان باختلاف كم	در نيشوا و اگر يكنوا اهم

فضل و رحم همزه كه آخره كه و تحسوف بعد همزه

صوتش مطلقا كبر طاهر	همزه بعد الف چه شد آخر
آدم ابو او عيسى جابا	همچو مائه چو في السمار سما
الف كن زياده در آخر	قبل همزه الف كن طاهر
يكسان هم بسوره شور	تايمه رست اولين و سحر
وسط غافره و قد دعوا	شفق ابر و هم ان بر
هم بفاطر عب العلموا	در بر هم غافره الضعفا
غير لام آمده است در آخر	ما استوفوا هم و ليس

في النيران  
الذين  
قالوا  
في النيران  
الذين  
قالوا  
في النيران

في النيران

پس شوری است تمام طهارت  
 پس صفات اکمل و  
 بین و آخرت خان اما  
 بعد اقبل و او اندر  
 متفق است جمله مذکور  
 خلف پی اعتبار در آن  
 نیز لفظ خبر او بجهت  
 لیک و شریک با و حبیب  
 لیک اندر حبیب و غلام  
 در حق او او است آرد  
 دیگر آنچه عا که است آید

هم در غلام اولین دو  
 هم بگویند مبین بدین  
 نیست صورت بهره او  
 نیست حریف و خوشتر  
 بخت است چند جا نور  
 غلام اول شعرا  
 که در آن هر دو او شد  
 در زمین و او کالاد است  
 هم حبیب که است و  
 در میان بعضی آن اند  
 و رقع الاختلاف فی سوا

۳۵

فصول در ابدال فضل اول و ابدال الف و او

سختی که بدل اول در  
 الصلاة الحق چون آید  
 لیک اگر بدین و شریک  
 چون حیاتی است که آید

اندرین باب چهارم  
 الف آن بود و بنگارند  
 الف آن همان الف برگیر  
 بدو جا آید و او

[illegible]

بدو یا جائز نیست شکر یا	هست حذف کی ولی اول
گیر بخشی زانیده بی	همه یا کلام را در همه اسم
که درین هر دو خلاف یک	وزن یا بی قبل میم و یا
بالف که گاهی بغیر است	هست یک یا و یک یا ف و
<p><b>فصل دوم در اجتماع یا نین و حال لفظی</b></p>	
که دو یا یا زباده از یک	جمع کردن و نیز و اسم پیدا
چون در حذف ز باشد جا	بالف کن بدل کچه زها
مثل شوا لفظ دنیا	باز همی چون ه آ ای حوا
الحوا یا چنانکه احیاها	مثل دنیا که گیر همیها
لیک همی برون و زین	اسمی فعلش که در باب
در اصول اختلاف پیدا	ظاهرش غیر لفظ با لیا
و زلف خلاف شدید	کس یک یا گفت کس
لیک لفظ عقیده و متنع	هست ظاهر هر دو و یا
در عقیده لب که شد پیدا	فعل را دو و اسم را یک
جبری آن امام ربانی	که بعلم نیست دانی
گفت خداوند مالازم کیا	همی همی که و همی به

[illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسمًا من موسمي القرآن الكريم  
موسمًا من موسمي القرآن الكريم  
موسمًا من موسمي القرآن الكريم

مجموعه یابی علمی  
کتابخانه ۱۳ میسک  
کتابخانه ی جامع  
کتابخانه ی ملی  
کتابخانه ی وزارت

فصل ۱۲  
در بیان احوال و عیال و دنیا و آخرت







۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

50

مدرسة دارالعلوم

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسمًا من موسمي القرآن الكريم

مکتبہ اسلامیہ

مجلس

کن یک سیم امتی  
 در کتاب و توبه و صفات  
 ملکوت چون بود پس  
 قطع شد در سنا فقون او  
 غیر آن هر کجا بود کجا است  
 در کس است هم ازین گونا  
 در کس است هم ازین گونا

چار جا کن دویم وار نیم  
 نیم بجاییم سجده موقوف  
 قطعه کن نماز دوم و  
 آخر آن به آنقصا من  
 همچنان ممکن و بیغ امتا  
 آخر عدد یک با وزن است  
 ان ما نزلنا  
 غیر عن ما نزلنا است

فصل سوم در قیام امام چهارم از مابعد خود

منه اذ لام ح ج د ا مجرور  
ر نسا اهل هوا بن  
سپس قمال الدين معالج

غیر ازین جا رکب مشهور  
مال خدا کبھی و در فرق  
الہذا کتاب بنیاد است  
خطر از مال وقف و

فضل ہمارم در قطع نما

طعن فی حکایت ای وطنی  
ای انرا معین اردو  
دل ناید نوید  
دل آخرت هر روز

وَمَا تَكُنْ مِنْ مَنصُورٍ  
وَمَا تَكُنْ مِنْ مَنصُورٍ  
وَمَا تَكُنْ مِنْ مَنصُورٍ  
وَمَا تَكُنْ مِنْ مَنصُورٍ

۱. در وقت خواب  
 ۲. در وقت بیدار شدن  
 ۳. در وقت نماز  
 ۴. در وقت خوردن و آشامیدن  
 ۵. در وقت کار و تلاش  
 ۶. در وقت استراحت  
 ۷. در وقت دیدن و شنیدن  
 ۸. در وقت فکر و تأمل  
 ۹. در وقت صحبت و گفتگو  
 ۱۰. در وقت سکوت و تنهایی

این کتاب در دسترس  
مستوفی است

۵۴

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

فارسی  
مدرسه

اول در



[illegible]

قطع در کل آن تمام بود  
 کن و جاصل عند هم صحت  
 یا یوحنا فیتر نخل اند  
 هم در این قطع آن او  
 مومن در اریات است جدا  
 و پیش یوم هم علی التدار  
 بلکه هم شد پست در نوح  
 الا بعد وصل احکامیت  
 غیر کف و قیامه این وقع  
 یک ساله بود وصل نما  
 نیز عن فتن بخیم نور و جاصل  
 نیست واقع بغیر این و صلا  
 لاکت حین تباين اتم پذیر  
 نون با و او سوره وصل نما

فضل و ذکر بعضی حروف متطوع و معذور

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

9

5

١٢٠

5

سے

10

10

10



2

34

1

2

١٢

10



تو شفا بخش کار فرما	بستم از غلظت
بنکوبی بدل کین بدیم	صحت ده علت خودیم
زینتم ده بستیر مردان	بهر و باطنم نکو گردان
معنی کر با طیف خویش عطا	که چه کردم تمام عمر خطا
مندرج جمله علومم رو	که شود منضحل رسومم رو
بعلومم خود خستاصم ده	از رسوم جهان خلاصم ده
که توانی و سنج من مانم	راه سخت فنا کن استانم
خداوندی نکو با خمد ده	سج چو گویم که این و آخرم
کن عنایت کمال یانم	از بدن چون بر شود بزم
محو ذات تو شوم یکبار	تا بعوان محمد مختار
سایه رحمت دیم بر سر	جان فشانم بیای از سر

۲۵

## خاتمه

کرد چو نماه بر فلک شریک	شکر کین نو عروس مخدع کرد
بر کشیده رزخ نقاب خفا	مجنی شد بزم اهل صفا
نظم خید برین سال قدوم	در دوزخ کرد نزد هر دهم

در دو گوهر مگویش کن در این	ما برین کرد و خرمین
سینه اش بر چو اهر مکنون	کوهی کی بکون خدیرون
هوشش روشن لایق مکن او	عقل کل نیز این مح
روی خود سوی بخت میلان	عقل و یا قوت و قف یارین
لیکن ارد نظر باطل	که کند استیا رنگ و گهر
لعل اگر خود بفرستد	سنگ سپید شرف پیشنگ
منصفی کو خرد سیرود	سست از راه برود
عقل سوی شمار و آورد	شش سر و این پیشنگ
لعل و یا قوت نظم گردد	که ندیش بدید و هر مدید
جای آن جوهر بخت باد	کز کمر اخینین گهر بکشد
اگر بخوابد خدای بخت بند	آفتابی شود و خشنود
لوزام سر سید جهان گیرد	ورتر زمان مان گیرد
سعد صدق جای نظم	از لقاحی شش لاشاد

# مُتَاحَات

با الهی بخت و عزت	با الهی بخت و عزت
-------------------	-------------------

ایمان بخشد در بیان

که جنبش فضل و شایسته

فیض آن هر طرف و این

عمر سنت در سیه کای

گفته از در که تو دارد باز

تو عظیم در من گشت عظیم

چنین قدر سهو و جرم عظیم

گرچه کردم گناه از حد پیش

شام تاریک شیر بر سر راه

زیر پاشیغ و قیر بر سر سنگ

این مان گر نیکنی یار

بر من صنطار من حجه

نا امیدم کن جو و عظیم

در پناه بخواه کن جابیم

از خود غیر خود را محلی

توبه و عذر بر دوزخات

بولاد و محبت ایشان

که خطای گذشت در ختم

بگذر از طرف امید از

با گزشتیم تو که غمت را

حسن ظن کرم بسیار دانا

امر لا تقطع اینا عظیم

که تخیل بجز عظمی عظیم

رحمت تو گذشت چو پیش

راه بار یک دور منظر نگاه

آن زمین با هزار سعت

وای بر کسی بی بن خوار

ای خداوندگار من رحمة

پیش قدم دارم تو عطا می عظیم

تا زنج و کرب با ساعیم

بمحیط خود آشنائی ده

هر پنج آنم جان باید عوا

۳۷

در قافله این سفر  
سختی شامل است فافه  
ایده جلوه اندازد







٢٩٤٤١٢

CALL No. { ١٣٤٠ ج ACC. No. ٤٠٣٥

AUTHOR \_\_\_\_\_

TITLE \_\_\_\_\_ مرتبة الخراسان في رسم القرآن

--	--	--	--



**MAULANA AZAD LIBRARY**  
**ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY**

**RULES:—**

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

